

## اسم‌هایی که فراموش می‌شود

سید افشین سمائی (متخصص مغز و اعصاب، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی سمنان)  
سید مهدی سمائی (زبان‌شناس، استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران)\*

گویشوران زبان‌ها، بسته به موضوعی که درباره آن سخن می‌گویند و بسته به شیوه‌ای که اختیار می‌کنند کلماتی را از داخل واژگان ذهنی<sup>۱</sup> برمی‌گزینند و آنها را در یافت جای می‌دهند. جست‌وجوی کلمات از واژگان ذهنی و بازیابی آنها امری عادی به نظر می‌رسد و غالباً به موقع و بیجا، با صرف کمترین انرژی انجام می‌گیرد.

اما گاهی کلمات فراموش می‌شوند و، در فرایند بازیابی کلمات از واژگان ذهنی، اختلال پدید می‌آید. در این حالت، ممکن است، به جای کلمه فراموش شده، کلمه دیگری به یاد گویشوران بیاید. این نوع فراموشی و نشستن کلمه‌ای دیگر به جای کلمه فراموش شده را حالت نوک زبانی<sup>۲</sup> یا پدیده نوک زبانی<sup>۳</sup> می‌خوانند.

براون (Brown 1991) پدیده نوک زبانی را جهان‌شمول می‌داند که گویشور هر زبانی به آن دچار می‌شود. او چند نکته دیگر را نیز درباره حالت نوک زبانی یادآور می‌شود: الف- این حالت، به طور متوسط، هفته‌ای یک بار برای هر گویشوری رخ می‌دهد؛

---

\* نگارندگان از سرکار خانم طیبه اسکندری، که در یافتن برخی اطلاعات این مقاله به آنان کمک کرده است، تشکر می‌کنند.

1) mental lexicon      2) tip-of-the-tongue state      3) tip-of-the-tongue phenomenon

ب-گوشوران، به مرور و با افزایش سن، بیشتر به این حالت دچار می‌شوند؛

ج- این پدیده عموماً در اسامی خاص رخ می‌دهد؛

د- معمولاً کلمه‌ای که به جای کلمه فراموش شده به یادگوشوران می‌آید رابطه‌ای

یافتنی با کلمه فراموش شده دارد؛

پدیده نوک زبانی را به دو صورت می‌توان بررسی کرد:

-از دیدگاه بالینی<sup>۴</sup>. از این دیدگاه که دستاوردهای آن به کار درمان نام‌پریشی<sup>۵</sup> می‌آید،

چگونگی رخ دادن پدیده مذکور و عوامل جسمانی و روانی آن بررسی می‌شود.

-از دیدگاه زبانی. کلمات عناصری بی‌ارتباط با یکدیگر و پراکنده نیستند. نظامی که

در زبان وجود دارد شامل واژگان نیز می‌شود. نظم واژگان صوری و معنایی است. نظم

صوری واژگان را می‌توان در تصریف و اشتقاق و ترکیب مشاهده کرد. صیغگان عمدتاً

نظم دهنده افعال و کلمات هم‌خانواده و کلمات مشتقی که با وندهای واحد ساخته می‌شوند

همچنین کلمات مرکبی که با قاعده مشابه ساخته می‌شوند نمونه‌هایی از نظم صوری

واژگان‌اند. واژگان نظم معنایی هم دارد. ذات و معنی، ترادف، تضاد، شمول معنایی، و توسع

معنایی از جمله مفاهیمی هستند که به نظم معنایی مربوط می‌شوند<sup>۶</sup>.

نظام درواژگان ارتباطاتی زبانی یا غیرزبانی بین کلمه فراموش شده و کلمه‌ای که

در حالت نوک زبانی جانشین آن می‌شود برقرار می‌سازد- ارتباطاتی که هم صوری و هم

معنایی است.

در دیدگاه زبانی، روابط زبانی بین کلمه فراموش شده و کلمه جانشین بررسی

می‌شود تا بتوان به نظامی زبانی در پدیده نوک زبانی دست یافت. دستاورد پژوهشی که

از این دیدگاه به پدیده نوک زبانی می‌پردازد به کار حوزه زبان‌شناسی قضایی<sup>۷</sup> و درمان

نام‌پریشی می‌آید.

اسامی خاص، همان‌گونه که براون (Brown 1991) اشاره کرده است، اصلی‌ترین کلماتی

4) clinical      5) anomic aphasia

۶) گزینش اصطلاحات به صورت خوشه‌ای در گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز تا حدی بر اساس نظم معنایی و قیاسی (analogic) است.

7) forensic linguistics

هستند که گویشوران گاه آنها را به یاد نمی‌آورند. در این حالت، اسامی خاص دیگری به جای اسم فراموش شده به زبان می‌آید که از جنبه‌های گوناگون به اسم فراموش شده شباهت دارد. نگارندگان این مقاله داده‌هایی را که مربوط به حالت نوک زبانی اسامی خاص است گردآوری کرده‌اند. این داده‌ها به مرور زمان و از بافت کلام استخراج شده‌اند.<sup>۸</sup> در این مقاله، ابتدا رابطه واژگان ذهنی و پدیده نوک زبانی بررسی می‌شود؛ سپس داده‌ها از دیدگاه رابطه زبانی که بین اسم فراموش شده ( $N^1$ ) و اسم جانشین ( $N^2$ ) وجود دارد تحلیل می‌شوند. بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری مقاله است.

## ۱ واژگان ذهنی و پدیده نوک زبانی

گویشوران هر زبان بخشی از الفاظ و صورت‌های زبان را به خاطر می‌سپارند تا آنها را در ساخت‌های زبان به کار برند. مجموعه این الفاظ و صورت‌ها را واژگان ذهنی می‌خوانند.

بودوان دو کورتنی<sup>۹</sup> واژگان را فهرست تکواژها می‌داند. (ARONOFF and ANSHEN 1998, p. 52). این تعریف در تقابل با تعریفی است که بلومفیلد از واژگان کرده و آن را «زائده دستور و فهرست صورت‌های بی‌قاعده» دانسته است (Bloomfield 1933, p. 274). در تعریف کورتنی، واژگان فقط شامل تکواژهاست که کوچک‌ترین عناصر معنی دارند. اما، در تعریف بلومفیلد، سخن از صورت‌های بی‌قاعده است. این صورت‌ها شامل کلمات پیچیده<sup>۱۰</sup> نیز می‌شود. کلماتی که ساختمان داخلی دارند و بدون رعایت قواعد متعارف صرفی ساخته شده‌اند<sup>۱۱</sup>. این دو تعریف نسبتاً متقدم تفاوت اساسی دارند. پس از تحولاتی که از دهه هفتاد میلادی در نظریه‌های زبان‌شناسی پدید آمد، واژگان

۸) فیلمی به نام *Don't say a word* ساخته گاری فلدر (Garry Fleder) در ایجاد انگیزه این پژوهش بی‌تأثیر نبوده است. در این فیلم، جنایت‌کاران دختری را که در آسایشگاه روانی بستری است وادار به افشای رازی می‌کنند. دختر، بر اثر اضطراب و ترس، صورت مقلوب عددی چند رقمی را، که بخشی از راز است، به جای صورت اصلی به یاد می‌آورد.

9) Baudoin de Courtenay 10) complex word

۱۱) کلماتی که از چند تکواژ ساخته شده‌اند و تجزیه‌پذیرند، به خلاف کلمات بسیط، دارای ساختمان داخلی‌اند.

نقشی مهمی یافت و در کانون توجه قرار گرفت و شمار تعاریف متفاوتی که از آن عرضه شد فزونی گرفت. تفاوت در تعاریف یکی در محتوا و آرایش محتوای واژگان است؛ دیگر نوع تعاملی است که واژگان با دیگر حوزه‌های دستور از جمله صرف دارد.

(BAUER 2004; ARONOFF 2005; PUSTEOVSKI 2006)

صرف و واژگان وابسته به هم‌اند؛ زیرا بخش عمده کلماتی که با اشتقاق و ترکیب ساخته می‌شوند در واژگان جای گرفته‌اند و گویشوران آنها را از درون واژگان ذهنی انتخاب می‌کنند. اما این دو حوزه با یکدیگر تعارضی دارند که بر نظام زبان اثر می‌گذارد بدین معنی که کلمات پیچیده موجود در واژگان غالباً مانع ساخته شدن کلمات خوش ساخت بالقوه<sup>۱۲</sup> می‌شوند. این حالت را سد شدگی<sup>۱۳</sup> می‌خوانند (ARONOFF and ANSHEN 1998). یعنی آنچه در واژگان وجود دارد مانع از ساخته شدن کلمات پیچیده بالقوه و در نتیجه مانع از پیدایش حشو در واژگان می‌شود. ولی گاهی سد شدگی عمل نمی‌کند و آن زمانی است که گویشوران کلمه پیچیده‌ای را فراموش کنند. در این حالت، از صرف کمک می‌گیرند و کلمه خوش ساخت بالقوه‌ای متناسب با بافت کلام می‌سازند.

در حالت نوک زبانی، فرایندی نظیر فرایند مذکور رخ می‌دهد. دو فرایند تا حدودی شبیه یکدیگرند. بدین معنی که کلمه‌ای فراموش می‌شود و کلمه‌ای دیگر به ناچار باید جانشین کلمه فراموش شده شود. ( $N^2$  باید جانشین  $N^1$  شود)

اما تفاوتی نیز وجود دارد: پدیده نوک زبانی شامل کلمات بسیط (غیر پیچیده) نیز می‌شود. لذا، آن  $N^2$  ای که جانشین  $N^1$  می‌گردد به ناچار باید از محتویات واژگان ذهنی – ذخیره بالفعل – انتخاب شود. در این حالت، فرایند واژه‌سازی<sup>۱۴</sup> و قواعد زیای واژه‌سازی و سد شدگی در پدیده نوک زبانی دخالتی ندارند.

قدمت توجه به پدیده نوک زبانی به اواخر قرن نوزدهم میلادی می‌رسد (BROWN 1991). اما مطالعه آن تا نیمه دوم قرن بیستم منظم و روشمند نبود. نخستین بررسی نظام‌مند را ظاهراً براون و مک‌نیل (BROWN and MENEILL 1966) درباره آن انجام داده‌اند. به نظر آنان، اگر گویشور احساس کند کلمه‌ای را که به یاد نمی‌آورد می‌داند و مطمئن است که به یاد می‌آورد، در حالت نوک زبانی قرار دارد (Idem, p. 327). (SCHWARTZ and SMITH 1997 از نقل از)

12) potentially well formed

13) blocking

14) word formation rule

براون و مکنیل در تعریف دیگری از پدیده نوک زبانی آن را احساس نیل قریب‌الوقوع به هدف می‌دانند. (Id.)

## ۲ تحلیل داده‌ها

در این بخش، رابطه‌های زبانی و غیرزبانی داده‌ها تحلیل می‌شود. شمار داده‌هایی که در حالت نوک زبانی استخراج شده‌اند حدود ۵۵۰ اسم خاص است. چنانکه اشاره شد  $N^1$  شباهت‌هایی به  $N^2$  دارد. این شباهت‌ها یا زبانی است یا براساس دانش گویشوران از عالم خارج؛ بدین معنی که بین  $N^1$  و  $N^2$  روابطی زبانی نظیر رابطه معنایی، آوایی، صرفی، ریشه‌شناختی همچنین روابطی از حیث شکل مکتوب و وزن و هجا وجود دارد. گاه نیز شباهت  $N^1$  به  $N^2$  در چارچوب دانش غیرزبانی گویشوران جای می‌گیرد. با طبقه‌بندی شباهت‌های زبانی و غیرزبانی  $N^1$  و  $N^2$  می‌توان روابط بین این دو را نظم بخشید و قاعده‌مند کرد.

رابطه  $N^1$  و  $N^2$  به ندرت ساده است و عمدتاً تلفیقی است. در رابطه ساده، فقط یک نوع شباهت و، در روابط تلفیقی، همزمان چند نوع شباهت بین  $N^1$  و  $N^2$  وجود دارد. روابط مذکور، بسته به اسم‌هایی که به جای یکدیگر به کار می‌روند، ممکن است آمیزه‌ای از دو یا چند رابطه زبانی و حتی چند رابطه زبانی و غیرزبانی باشد. این روابط سلسله‌مراتبی‌اند؛ بدین معنی که، در رابطه‌های تلفیقی و مرکب، برخی از رابطه‌ها دارای اولویت و بر دیگر روابط مرجح‌اند. اینک انواع روابط بین  $N^1$  و  $N^2$  به صورت جدول نشان داده می‌شود. در هر جدول، متناسب با رابطه مفروض، مثال‌هایی از ۵۵۰ داده عرضه خواهد شد.

### ۲-۱ روابط زبانی

اشاره شد که روابط زبانی عمدتاً تلفیقی و مرکب‌اند. در اینجا، ابتدا هریک از رابطه‌های اصلی زبانی (آوایی، صرفی، معنایی، ریشه‌شناختی، رابطه براساس شکل مکتوب و وزن و هجا) در جدول‌هایی مستقل عرضه می‌شود. رابطه عرضه شده در هر جدول اصلی است. این رابطه‌ها ارکان رابطه‌های تلفیقی هستند؛ بدین معنی که ممکن است، بین مجموعه‌ای از  $N^1$  ها و  $N^2$  ها، رابطه معنایی رابطه اصلی باشد ولی رابطه آوایی و وزنی نیز وجود

داشته باشد یا حتّی رابطه آوایی اصل باشد و رابطه غیرزبانی که براساس دانش عالم خارج است نیز برقرار باشد.

پس از بررسی رابطه‌های اصلی و ذکر مثال برای آنها در جداول مربوط، رابطه‌های تلفیقی و مرکّب نیز بررسی خواهد شد.

#### ۲-۱-۱ رابطه آوایی

در رابطه آوایی اولاً صامت‌ها وجه شباهت قرار می‌گیرند نه مصوّت‌ها. ثانیاً به نظر می‌رسد برخی صامت‌ها بر صامت‌های دیگر تقدّم دارند - صامت‌هایی نظیر ک، گ، ق، خ، ف، ج، چ و صامت کم‌بسامد و نشاندار ژ که غالباً رابط آوایی  $N^1$  و  $N^2$  قرار می‌گیرند.

$N^2$	$N^1$
خالد	خلیل
تقوایی	قنواتی
نغمه	قطره
کاتبی	اتکال
فولکور	فروید
خلیلی	خالقیان
خزیمه	خزعلی
کاتوزیان	اتابکی
جابری	ماجدی
یلدا	لیدا
قبا	قوام
ماهان	هما
بیتهقی	حقّانی
ژیلا	ژاله

جدول شماره ۱- رابطه آوایی

چنانکه ملاحظه می‌شود، صامت‌هایی نظیر خ، ق، ک، ج، ف و ژ عناصر شباهت‌های آوایی‌اند. رابطه آوایی مهم‌ترین رابطه بین  $N^1$  و  $N^2$  است و در همه روابط تلفیقی شرکت دارد.

۲-۱-۲ رابطه صرفی

ساختمان صرفی  $N^1$  نیز بر انتخاب  $N^2$  تأثیر می‌گذارد. رابطه صرفی  $N^1$  و  $N^2$  گاهی بر اساس وندهای مشترک و زمانی بر مبنای تکواژهای آزاد<sup>۱۵</sup> است.

$N^2$	$N^1$
کاظمیّه، محمودیه*	جعفریه
غیاثیان	صباغیان
ابریشم‌چی	دستمال‌چی
مهرنوش	شهرنوش
کی‌منش	بهمینش
قنادان	معماران
مہشید	مہتاب
گلزار	گلریز
اسدالله	سیف‌الله

\* گاهی چند  $N^2$  به جای  $N^1$  در حالت نوک زبانی به کار می‌رود.

جدول شماره ۲- رابطه صرفی

چنانچه ملاحظه می‌شود، در برخی اسامی، وندهای مشترک نظیر -ئیّه و -ان و -چی و، در برخی دیگر، تکواژهای آزاد مانند مه و گل و الله عناصر رابطه صرفی قرار گرفته‌اند.

۲-۱-۳ رابطه معنایی

گاهی بین  $N^1$  و  $N^2$  رابطه معنایی وجود دارد.

$N^2$	$N^1$
دین محمدی، امامی	پیغمبرزاده
چوپان‌زاده، دامیار	گلّه‌داری
شمسی‌پور	چراغ‌پور
جواهری	زُمرُدی
قزل‌حصار	کهریزک
جوانمردی	آزادپخواه
باوقاریان	باشوکت
نیکبخت	نکونام
چلچله	چکاوک
برزگر، کشاورز، دهقان	کشتگر
سامان	اسکان

جدول شماره ۳- رابطه معنایی

رابطه معنایی در جدول شماره ۳ را در سه نوع می‌توان جای داد: رابطه ترادف (بین «کشتگر» و «برزگر و کشاورز و دهقان»); رابطه بر اساس مؤلفه‌های معنایی مشترک (بین «گلّه‌داری» و «چوپان‌زاده و دامیار»); رابطه بر اساس دانش عالم خارج (بین اسکان و سامان)<sup>۱۶</sup>

۲-۱-۴ رابطه ریشه‌شناختی

در این نوع رابطه، اسمی هم‌ریشه با اسم فراموش شده به زبان می‌آید.

(۱۶) اسکان و سامان نام‌های دو مجتمع مسکونی در تهران‌اند.



N <sup>2</sup>	N <sup>1</sup>
محفوظی	حافظی
افخمی، فخمی	فخام‌زاده
مقسومی	قسمتی
کرمی	اکرامی
رحمتی	رحمانی
توکلی	وکیلی
فلاحی	فلاحتی
حکیمی	حکمت
سجادی	ساجدی

جدول شماره ۴- رابطه ریشه شناختی

۲-۱-۵ رابطه وزنی-هجایی

رابطه N<sup>1</sup> و N<sup>2</sup> در این نوع بر مبنای وزن مشترک یا هجاهای مشابه است؛ مثل معترف (N<sup>1</sup>) و معتکف (N<sup>2</sup>) که هر دو بر وزن مفتعل اند و کمیت و کیفیت هجاهای شهین و مهین مشابه اند. هر دو هجائی اند و از یک هجای کوتاه و یک هجای بلند ساخته شده اند.

N <sup>2</sup>	N <sup>1</sup>
معتکف	معترف
برائت، کرامت، نجابت، شرافت	امانت
نجابت مهین	اطاعت شهین
حقیقت	طریقت
شرافت، کرامت	بشارت
اعتمادی	میرعمادی
راهبه	راحله
کرامت	شرافت

جدول شماره ۵- رابطه وزنی و هجائی

۲-۱-۶ رابطه تصویری

در این حالت، شکل مکتوب  $N^1$  در  $N^2$  درگوشور اثر می‌گذارد. گویشور، در حالت نوک زبانی، تصویر  $N^1$  را به یاد می‌آورد و  $N^2$  را بر حسب شباهت با تصویر  $N^1$  به زبان می‌راند. بدیهی است این معیار شامل گویشوران بی‌سواد و کم‌سواد نمی‌شود و خاص افراد تحصیل‌کرده است.<sup>۱۷</sup>

$N^2$	$N^1$
مانا، مایا، منادا	مبینا
صبحی	مصباحی
عین‌آباد*	عبدل‌آباد
کوراندو	مورانو
رضوی	رضوانی

\*عادل فردوسی‌پور در تاریخ ۸۸/۸/۱۱ و در برنامه نود، عباس را به جای عبدالحمید نشاناد و در توجیه آن گفت که هردو حرف «ع» دارند. پیداست که تصویر «ع» باعث حالت نوک زبانی شده نه صدای آن. ملاک رابطه تصویری البته در دیگر روابط از جمله رابطه‌های صرفی وزنی بی‌تأثیر نیست و این روابط مثال‌های مشترکی دارند. این مسئله که مربوط به روابط تلفیقی است در انتهای همین بخش (۲-۱) مطرح می‌شود.

جدول شماره ۶- رابطه تصویری

۲-۱-۷ روابط تلفیقی

روابط زبانی را در شش نوع جای دادیم که شواهد آنها در جدول‌های شماره ۱ تا ۶ مندرج است. همان‌گونه که اشاره شد، رابطه  $N^1$  و  $N^2$  معمولاً آمیزه‌ای از این شش رابطه است. این رابطه به ندرت ساده و تک‌وجهی است و غالباً آمیزه‌ای از رابطه‌های اصلی و حتی تلفیقی از رابطه‌های اصلی و رابطه غیر زبانی است.

۱۷) به نظر می‌رسد تأثیر رابطه تصویری در نشانادن  $N^2$  به جای  $N^1$  قابل توجه‌تر از آن باشد که برای اثبات آن به چند مثال اکتفا شود. اما دلیل این اثبات، برخلاف اغلب روابط، ذهنی و براساس تصور و بیشتر تجربه‌ای شخصی است.

از شش رابطه زبانی فقط رابطه آوایی و برخی رابطه‌های معنایی را می‌توان ساده و غیر تلفیقی شمرد؛ مثل رابطه آوایی اسم‌هایی نظیر ژاله و ژیلا که کاملاً مستقل و منفردند و رابطه معنایی اسم‌هایی همچون «پیغمبرزاده» و «دین‌محمدی و امامی». اما در رابطه معنایی جدول ۳، اسم‌هایی مانند چکاوک و چلیچله وجود دارد که، سوای رابطه معنایی، رابطه آوایی نیز دارند همچنین کشتگر و برزگر که سوای رابطه معنایی دارای رابطه آوایی و تصویری نیز هستند.

در جدول شماره ۲ مربوط به رابطه صرفی، رابطه‌های معنایی و صرفی و آوایی نیز وجود دارد: رابطه دستمال‌چی و ابریشم‌چی از سه نوع صرفی و معنایی و آوایی است و رابطه گلریز و گلزار تلفیقی از رابطه‌های صرفی و آوایی است.

در همه اسم‌های  $N^1$  و  $N^2$  جدول شماره ۳ رابطه آوایی نیز وجود دارد. در جدول شماره ۴، سوای رابطه ریشه‌شناختی، رابطه آوایی نیز مطرح است.

در جدول شماره ۵، ترکیبی از رابطه‌های وزنی و هجایی و آوایی و تصویری را می‌توان سراغ گرفت؛ نظیر رابطه معترف و معتكف یا رابطه بشارت و شرافت و کرامت.

در جدول شماره ۶ نیز، سوای رابطه تصویری، رابطه آوایی می‌توان یافت.

در روابط تلفیقی طبعاً سلسله مراتب وجود دارد؛ بدین معنی که یکی از روابط پایه و اصل واقع می‌شود و رابطه یا روابط دیگر پس از آن عمل می‌کنند. مثلاً در رابطه صرفی دستمال‌چی و ابریشم‌چی ابتدا پسوند «چی» ملاک رابطه قرار گرفته سپس ابریشم که با دستمال رابطه معنایی دارد انتخاب شده است. یا رابطه معماران و قنادان، به ترتیب، بر اساس صرفی سپس دانش عالم خارج (رابطه شغلی معمار و قناد) برقرار شده است<sup>۱۸</sup>.

## ۲-۲ رابطه غیرزبانی

در مواردی، انتخاب  $N^2$  به جای  $N^1$  بر اساس دانش غیرزبانی گویشوران صورت می‌گیرد و از حوزه زبانی خارج می‌شود. برای رابطه غیرزبانی، برخلاف رابطه زبانی، انواع متعدد معین و مشخص نمی‌توان قایل شد. اما این رابطه از یک جهت به رابطه زبانی

۱۸) رابطه ریشه‌شناختی رابطه‌ای به اجبار تلفیقی است زیرا در ریشه کلمات صامت‌های مشترک وجود دارد. نظیر حافظی- محفوظی و حکمت- حکیمی.

شباهت دارد و آن اینکه همانند رابطهٔ زبانی غالباً تلفیقی است و از اجتماع چند رابطه پدید می‌آید. رابطهٔ تلفیقی غیر زبانی نیز آمیزه‌ای از رابطهٔ غیر زبانی و یک یا چند رابطهٔ زبانی است.

میزان دانش غیر زبانی گویشوران ممکن است در نوع رابطهٔ  $N^1$  و  $N^2$  اثر بگذارد. دانش گویشوران از عالم خارج با هم تفاوت دارد و این تفاوت ممکن است نوع رابطهٔ  $N^1$  و  $N^2$  را تغییر دهد؛ بدین معنی که، هرگاه دانش غیر زبانی گویشور برای ایجاد رابطه بین  $N^1$  و  $N^2$  کافی نباشد، ممکن است  $N^2$  بر اساس یکی از رابطه‌های زبانی به جای  $N^1$  انتخاب شود.

مثال‌هایی که در این باب عرضه می‌شود نمودار معلوماتی است که گویشوران در حوزه‌هایی نظیر تاریخ و هنر و سیاست و جغرافی و ورزش و علم دارند.

$N^2$	$N^1$
افلاطون، سقراط، ارسطو	جالینوس
چنگیز، تیمور	آتیلا
سیاوش	افراسیاب
سنائی	معزی
فلچر	کراچ
مارچلو ماسترویانی	مایکل کین
داستین هافمن	آنتونی هاپکینز
جیمز کامرون	جین هاگمن
کیم نوواک	کاترین دونوو
ریچارد برتن	شون کانری
سلیکات	ارسنیک
سیانکی	بادامکی
دماوند، الوند	البرز

جماران	جمکران
خزعلی	خلجی
بتی	هلن
سیاوش	افراسیابی
جواهریان	مظفریان
بختیاری	قشقایی
خوارزمی	سلجوقی
کبکانیان	باکری
(آیت الله) کاشانی	(آیت الله) مشکینی
باباگوریو	اوژنی گرانده
کانت	دکارت

گوشوری که دچار حالت نوک زبانی شده آگاه است که جالینوس و افلاطون و ارسطو اولاً در کدام دوره تاریخی می‌زیسته‌اند و ثانیاً شهروند کدام کشور بوده‌اند و ثالثاً در چه حوزه‌ای فعالیت می‌کرده‌اند؛ معزی و سنائی شاعران قرن پنجم- ششم هجری‌اند؛ مایل کین، آنتونی هاپکینز، جین هاکمن، کاترین دونوو، و شون کانری و صاحبان اسامی جانشین آنان هنرپیشه‌اند؛ و باکری و کبکانیان شهدای دفاع مقدس‌اند. گوشور می‌داند که مظفریان جواهرفروش است، خلجی و خزعلی تحلیل‌گر سیاسی‌اند، اوژنی گرانده نام یکی از شخصیت‌های رمان بالزاک، و باباگوریو نام یکی از رمان‌های بالزاک است؛ همچنین کراچ و فلچر، بادامکی و سیانکی فوتبالیست؛ دکارت و کانت فیلسوف؛ و هلن و بتی خواننده‌اند. ارتباط  $N^1$  و  $N^2$  در این موارد بسته به دانش گوشوران از عالم خارج و از حوزه زبان بیرون است. رابطه  $N^1$  و  $N^2$  در برخی از مثال‌ها در این باب تلفیقی است از دانش غیرزبانی و رابطه‌های زبانی: کراچ و فلچر ابتدا بر اساس دانش گوشوران از عالم خارج به هم مربوط می‌شوند، سپس  $N^2$  بر مبنای رابطه آوایی (هر دو دارای صامت «چ») به جای  $N^1$  قرار می‌گیرد<sup>۱۹</sup>. باکری- کبکانیان، مشکینی- کاشانی، دکارت- کانت، جمکران- جماران، و خلجی- خزعلی

(۱۹) در روابط تلفیقی غیرزبانی نیز همانند روابط تلفیقی زبان اولویت روابط وجود دارد. بدین معنی که

صامت مشترک دارند. مظفریان و جواهریان دارای پسوند صرفی واحدی هستند.

### ۳ نتیجه

رابطه‌ای که در حالت نوک زبانی بین  $N^1$  و  $N^2$  وجود دارد زبانی یا غیر زبانی است. روابط زبانی غالباً تلفیقی اند و از اجتماع چند رابطه پدید می‌آیند. رابطه‌های اصلی زبانی را در شش نوع آوایی، صرفی، معنایی، ریشه‌شناختی، تصویری، وزنی-هجایی می‌توان جای داد.

رابطه زبانی  $N^1$  و  $N^2$  از مجموع یک رابطه اصلی و یک یا چند رابطه دیگر ساخته می‌شود. رابطه غیر زبانی که مبتنی بر دانش غیر زبانی گویشوران است نیز، همانند رابطه زبانی، از ترکیب چند رابطه پدید می‌آید. اما این رابطه دو تفاوت با رابطه زبانی دارد: یکی آنکه رابطه زبانی خود به انواعی تقسیم می‌شود. بنابراین رابطه تلفیقی آن غالباً آمیزه‌ای از انواع رابطه‌های زبانی است. اما رابطه غیر زبانی از نوع تلفیقی از یک رابطه غیر زبانی و یک یا چند رابطه زبانی ساخته می‌شود.

دیگر آنکه دانش غیر زبانی گویشوران، شامل معلومات در حوزه‌هایی نظیر تاریخی و هنری و سیاسی و جغرافیایی و ورزشی و علمی، به یک اندازه نیست و میزان دانش گویشوران از عالم خارج بر رابطه  $N^1$  و  $N^2$  اثر می‌گذارد و ممکن است نوع رابطه را از غیر زبانی به زبانی مبدل سازد.

در خاتمه، شایسته است درباره تحلیل نگارندگان مقاله گفته شود که البته جنبه نهایی ندارد و در زبان فارسی فتح باب است. پژوهشگران علاقه‌مند به این مبحث کاربردی چه بسا، با نگاهی متفاوت، تحلیل‌های نازک‌بینانه‌ای از داده‌هایی مشابه عرضه کنند.

### کتابنامه

ARONOFF, Mark and Frank ANSHEN (1998), "Morphology and the Lexicon: Lexicalization and Productivity, in Andrew SPENCER and Arnold M Zwicky" (eds), *The Handbook of Morphology*, Blackwell, pp. 237-247.

→ روابط غیر زبانی پایه رابطه است و دیگر روابط آن را تکمیل می‌کنند.

- ARONOFF, Mark (2005), *What is Morphology*, Blackwell.
- BAUER, Laurie (2004), *A Glossary of Morphology*, Edinburgh University Press.
- BLOOMFIELD, Leonard (1933), *Language*, Holt, Rinehart and Winston.
- BROWN, Alan, S. (1991), "A review of the Tip-of-the Tongue Experience", *Psychological Bulletin*, vol 109, 2, pp. 204-223.
- BROWN, R. and D. McNeill (1966), "The Tip-of-the Tongue Phenomenon", *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior*, 5, pp.325-337.
- FORSTER, Kenneth (2007), "Visual Word Recognition: Problem and Issues, in Gonia Jarema and Gry Libben" (eds), *The Mental Lexicon: Core Perspectives*, Elsevier, pp. 31-54.
- HANLEY, J. Richard and Elaine S. Cowell (1988), "The Effects of different Types of Retrieval Cues on the Recall of Names of Famous faces", *Memory and Cognition*, 16 (6), pp. 545-555.
- KORNEL, Nate, and Janet Metcalfe (2006), "Blockers Do Not Block Recall During Tip-of-the Tongue States", *Metacognition Learning*, 1: pp. 248-261.
- MACOIR Joël and Marion FOSSARD (2008), *Long-term Memory and Language: Differentiation Between Access to Words in Declarative Memory and Rule Application in Procedural Memory*, *Spectrum*, Vol 1, pp. 1-9.
- OUYANG, Ming and A. THOMAS, STEVEN, (2005), *A Requirement For Memory Retrieval During and After Long-term Extinction Learning*, *PNAS*, vol 102, no. 26, 9347-9352.
- PUSTEJOVSKY, James (2006), "On the Nature of Lexical Knowledge", *Machine Translation*, 5, pp. 1-4.
- SMITH, S. M. (1994), "Frustrated Feelings of Imminent Recall: On the Tip-of-the-tongue", in J. Metcalfe and A. P. Shimamura (eds), *Metacognition: Knowing about Knowing*, pp. 27-46, MIT Press.
- SCHWARTZ, Bennett, L., and Steven Smith (1997), "The Retrieval of Related Information Influences Tip-of-the Tongue States", *Journal of Memory and Language* 36, pp. 68-86.

□